

گونه‌شناسی خودهای بانوان طلبة ایرانی در شبکه اجتماعی اینستاگرام

مریم فتحی^۱ سید محمد کاظمی قهفرخی^۲

چکیده

ظهور و گسترش شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه اینستاگرام، زمینه‌ای نوین برای شکل‌گیری الگوهای تعاملی و بازتعریف عناصر فرهنگی فراهم کرده است. در این فضا، جوامع آنلاین به بستری برای بازسازی هویت فردی تبدیل شده‌اند؛ فرایندی که در آن پیوند میان جهان واقعی و مجازی، از خلال آواتارها و بازنمایی‌های انتخاب‌شده کاربران شکل می‌گیرد. این پژوهش، با اتکا به نظریه بازنمایی «خود» از منظر اروینگ گافمن^۳، به تحلیل نحوه کنشگری بانوان طلبة در اینستاگرام می‌پردازد و ابعاد هویتی، مجازی و مخاطب‌محور این کنشگری را مورد واکاوی قرار می‌دهد. با توجه به حضور روزافزون این گروه در فضای مجازی، پشتوانه‌های دینی و رسالت تبلیغی آنان، هدف مطالعه، گونه‌شناسی الگوهای کنشگری بانوان طلبة در این پلتفرم است. با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای جهت‌دار، دو گونه اصلی از کنشگری شناسایی شده است: (۱) کنشگری در قالب «سبک زندگی» و (۲) کنشگری مبتنی بر «مسئولیت‌پذیری اجتماعی». گونه نخست شامل پنج زیرگونه است: اصالت معنای زندگی، اصالت تصویر زندگی، زندگی عاشقانه، حقیقت الهی و واقعیت کاریکاتوری و سبک مینیمالیستی مدرن. گونه دوم نیز سه زیرگونه را در بر می‌گیرد: امدادگر اجتماعی زنانه، مرجعیت زنانه دینی، و دختر تمدن‌ساز. تحلیل این الگوهای کنشگری، به شناسایی چهار نوع «خود» بازنمایی شده در اینستاگرام انجامید: (۱) خود معناگرا، (۲) خود تأمل‌گرا، (۳) خود سیال، و (۴) خود مرجع. این یافته‌ها، افق‌های تازه‌ای در درک بازنمایی هویت، نقش‌آفرینی و کنشگری مذهبی زنان در بستر شبکه‌های اجتماعی می‌گشاید.

■ واژگان کلیدی

کنشگری بانوان طلبة؛ بازنمایی خود؛ گونه‌شناسی؛ اینستاگرام؛ گافمن.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه باقرالعلوم قم (نویسنده مسئول) m.fathi.asl.b@gmail.com

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم kazemigh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

طرح مسئله

با گسترش رسانه‌های اجتماعی، شکل‌های جدیدی از زیست اجتماعی، بازنمایی هویت و کنشگری فردی در حال شکل‌گیری است. اینستاگرام، به‌عنوان یکی از پرنفوذترین پلتفرم‌های بصری، نقش مهمی در سامان‌دهی روایت‌های شخصی و جمعی ایفا می‌کند. در چنین فضایی، کاربران نه فقط به‌عنوان مصرف‌کننده محتوا، بلکه به‌مثابه تولیدکننده روایت از خویش ظاهر می‌شوند؛ خویشی که در بستر الگوریتم، مخاطب، تصویر و فرم‌های توجه‌برانگیز بازتعریف می‌شود. در این میان، یکی از گروه‌هایی که حضورشان در این فضا واجد اهمیت نظری و فرهنگی است، بانوان طلبه هستند؛ زنانی که هم‌زمان حامل نقش‌های دینی، تبلیغی و هویتی‌اند و با ورود به اینستاگرام، در حال تجربه شکل جدیدی از بازنمایی خویش‌اند. آنچه این حضور را مسئله‌مند می‌سازد، صرفاً تقابل سنت و مدرنیته یا دین و تکنولوژی نیست، بلکه پرسش از آن است که «خودِ مذهبی» چگونه در بستر رسانه‌ای بازتولید می‌شود که منطق درونی آن بر تصویر، روایت‌های روزمره، تعامل‌پذیری و اقتصاد توجه بنا شده است.

اینستاگرام به کاربران خود اجازه می‌دهد تا از خلال جزئیات زندگی، روایت‌هایی از معنا، سبک زیستن، و هویت عرضه کنند، اما همین روایت‌مندی، از آن‌ها می‌خواهد تا «خود» را به شیوه‌ای نمایش‌پذیر، قابل درک و مخاطب‌پسند بازآرایی کنند. در چنین شرایطی، آنچه رخ می‌دهد صرفاً سازگار شدن با فضا نیست، بلکه بازتولید خلاقانه‌ای از خویش است که هم‌زمان ریشه در سنت دارد و از فرم‌های نو بهره می‌گیرد. خودهایی که در این بستر ظاهر می‌شوند، ترکیبی از تعهد، آگاهی رسانه‌ای، و سبک زندگی هستند و همین ترکیب، مطالعه کنشگری بانوان طلبه در اینستاگرام را به یک مسئله نظری و فرهنگی برجسته تبدیل می‌کند.

۱. ادبیات نظری

امروزه استفاده از فناوری‌های ارتباطی افزایش یافته و ارتباطات اجتماعی در بستر شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد که یکی از این شبکه‌ها اینستاگرام است. اینستاگرام برای فهم بازنمایی و نمایش خود «اجتماعات آنلاین» و «زندگی‌های روزمره»، از عکس بهره می‌گیرد و هشتگ‌های آن برای ساخت اجتماع منحصربه‌فرد است. این شبکه اجتماعی توانسته است به بستری تبدیل شود که زنان از آن برای بازتعریف خود و نیز ارائه گوناگون از چهره زنانه در شرایط فعلی استفاده کنند. در تحقیقات فضای مجازی، به سلفی‌ها و فرمت‌ها ذیل موضوع سبک زندگی پرداخته می‌شود،

در صورتی که ساندر دی ریدر^۱ و سوفیا پی کالدیرا^۲ بیان می‌کنند که امروز نوع بازنمایی‌های زندگی روزمره تبدیل به مذاکره با ساختارهای رسمی و مرجع جامعه شده است، بدین شکل که تراکم بازنمایی‌های جدید، سطح فردی را وارد حوزه انتخاب و نیز معانی متمایز می‌کند و همین مسئله باعث شده که سلیق فردی امروز جنبه‌های سیاسی به خود بگیرد.

این فناوری ارتباطی مدل‌های جدیدی از ذهن و رسانه ارائه می‌دهد که به واسطه آن‌ها می‌توان ایده‌ها و تخیلات را ترسیم نمود و به عبارت دیگر، این فناوری بازنمایی خویشتن را تسهیل می‌کند. بنابراین رایانه فراتر از یک ابزار توانمندکننده، به مثابه آینه‌ای است که ما را قادر می‌سازد تا در مسیر خود آینه بودن (خود اندیشی) گام برداریم و از طریق درونی‌سازی ادراکاتمان، به قضاوت درباره خود بپردازیم. در نهایت به ما آموزش می‌دهد که چگونه در دنیای مجازی زندگی کنیم (ترتبی، ۱۳۸۴: ۱۴۶). آواتارها دنیای مجازی را واقعی و رئال و نه ملموس می‌کنند. با توجه به شاخصه سازندگی هویت فردی، حس کنترل کامل بر تمثال خود، یک ویژگی برجسته دنیاهای مجازی بوده است. مشاهده‌کنندگان بر این باورند که مردم حس مالکیت زیادی نسبت به تصویرشان - مانند آواتارشان - دارند. گویا آنچه درباره آن اتفاق می‌افتد، درباره خودشان اتفاق افتاده است. هرچه آن را لمس کند، آن‌ها احساس می‌کنند و نوع جدیدی از وضعیت اجتماعی شکل گرفته است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۶). هوبرت دریفوس^۳ می‌گوید اینترنت ما را تشویق می‌کند به خودمان چونان موجوداتی تغییرپذیر، در حال تکوین، غیرمتمرکز، متکثر، انعطاف‌پذیر و همیشه در حال پیشرفت نگاه کنیم (دریفوس، ۱۳۸۳: ۱۰۴). با تعریف گافمن از خود به‌عنوان یک بازی اطلاعاتی، چرخه نامتناهی بالقوه از پنهان کردن، کشف کردن و آشکار شدن تصنعی و دوباره کشف شدن خود، در زندگی خصوصی و عمومی، مسیرهای متمایز و مجزا و در عین حال، طرح‌های مرتبط از شبکه‌ها و کنش متقابل است. خود شبکه‌ای گلچینی از مباحثات و گفت‌وگوها در مورد چیزی است که هدفی برای نمایش خود در محیط‌های شبکه‌ای شده آنلاین است (پاپاچاریسی^۴، ۲۰۱۰: ۳۰۴). در مطالعات نمایشی گافمنی، خود، مخاطرات کنش متقابل را از لحاظ استراتژیکی، مدیریت و در نمایش تصویری عمل می‌کند که دیگر تعامل‌گران قابل قبول بدانند. از طریق اجراها، خود

کوشش دارد یک هویت استوار مطابق با انتظارات شکل گرفته توسط مخاطب و به وسیله موقعیت و صحنه قالب کنش متقابل ارائه نماید (رابینسون^۱، ۲۰۰۷: ۹۷). فرد صرفاً مشغول چرخش در حوزه دادوستدش نیست، بلکه او دل مشغولی ضروری دارد که تصویر پایداری از خودش در نگاه دیگران را پشتیبانی کند. این مهم هنگامی لازم است که اقتضائات مقطعی بر او تأثیر می‌گذارد و این کیفیات بسیار غیرقابل پیش‌بینی هستند. از این رو، هماهنگی و کار خود (در تطابق بین بازیگری و نمایش) به‌طور مداوم ضروری و لازم است (اسمیت^۲، ۲۰۰۶: ۹۸-۱۰۰).

پلتفرم اینستاگرام به‌عنوان جامعه شبکه‌ای مداومت دارد؛ نه‌تنها کاربرانش را برای عکس گرفتن از چیزی که قبلاً از طریق عکاسی موبایلی بی‌دوام و مقطعی بود تشویق می‌کند، بلکه عکس‌ها را هم با ایجاد قابلیت پست‌گذاری برای دیگران، در سرورهای اینستاگرامی ماندگار و پایدار می‌نماید. دوم؛ عکس محور بودن، آن را محیطی برای فهم بازنمایی و نمایش خود اجتماعات آنلاین و زندگی‌های روزمره تعریف می‌کند. عکس محور بودن اینستاگرام باعث کاهش تعداد کاراکترهای کامنت‌های مخاطبان و کاربران بر پست‌ها شده است. عکس‌های این شبکه، به نسبت سایر شبکه‌های اجتماعی، بیشتر براساس کنش اجتماعی تنظیم می‌گردند (سولان و آنابل^۳، ۲۰۱۷). خاصیت بیان‌شده اینستاگرام را به صحنه‌ای برای بازنمایی خود در گفتمان گافمنی نزدیک می‌کند، بدین شکل که افراد معمولاً تمایل دارند تا باورها و عقایدی را به اشتراک بگذارند که فالوورها آن‌ها را تأیید کنند. از سوی دیگر، هر قدر تعداد تماس‌های شما بیشتر باشند و پیوندهای بیشتری ایجاد کنید، ارزشمندترید، زیرا افراد تصور می‌کنند که شما مشهور هستید و بنابراین می‌خواهند با شما تماس بگیرند (کلانتری و حسنی، ۱۳۹۶).

۲. روش پژوهش

روش‌شناسی موضع معرفت‌شناسانه این مقاله با روش‌های پژوهش کیفی همراه است. آنان بر توصیف زمینه‌ای که مردم در آن زندگی می‌کنند، تشکیل عقیده می‌دهند و عمل می‌کنند، تأکید زیادی دارند و تلاش می‌کنند به این مسئله بپردازند که مردم چگونه جهان را می‌بینند و از آن آگاهی پیدا می‌کنند. در این روش، به‌جای آنکه مردم در یک موقعیت تجربی کنترل‌شده

1. Robinson

2. Greg Smith

3. SueLyne & Annabel

مشاهده شوند، در محیط طبیعی خودشان نظاره می‌گردند، زیرا معانی ذهنی براساس زمینه‌ای که در آن یافت می‌شوند متفاوت هستند. تبیین شامل درک و تفسیر کنش‌ها و نه ایجاد قوانین عمومی درباره رفتار است (مارش و استوکر^۱، ۱۳۸۸: ۳۳۲). برای جمع‌آوری داده‌ها، در حوزه نظری، از روش کتابخانه‌ای و در عرصه میدانی، از تکنیک اسنادی برای بررسی صفحات اینستاگرام استفاده می‌شود. انواع بسیاری از اطلاعات در مورد دنیای اجتماعی پیش از این گردآوری شده‌اند و در دسترس پژوهشگران قرار دارند. در چنین مواردی، پژوهشگر می‌تواند این مجموعه‌های اطلاعاتی را با سؤال و متغیرهای پژوهشی مدنظرش بکاود و سپس آن‌ها را به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش خود، به روش‌های جدیدی ترکیب و تحلیل کند (نیومن، ۱۳۹۰). روش پردازش تحلیل محتوای کیفی است که بر توسعه شناخت و فهمیدن پدیده مورد مطالعه استوار است. روش مذکور کاربرد زبان و کلیدهای زمینه‌ای برای ساخت معناها در فرایند ارتباطات است (عسارودی و دیگران، ۲۰۱۸: ۴۳). نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام می‌شود و در مرحله اول، ۲۰۰ صفحه فعال با حداقل ۱۰ پست، و تعداد دنبال‌کننده بالای ۵۰۰ شناسایی شد. این صفحات براساس سه مؤلفه وضعیت صفحه، یعنی خصوصی و عمومی بودن، هویت حقیقی و غیرحقیقی و نمود طلبگی و عدم اظهار طلبگی مورد بررسی قرار گرفتند. در نهایت، ۵۲ صفحه که دارای هر سه مؤلفه عمومی، هویت حقیقی و نمود طلبگی بودند شناسایی و تحلیل محتوا شده و نتایج دسته‌بندی و تحلیل آن‌ها ارائه گردید.

۱۱

۳. یافته‌ها

بر پایه داده‌های به‌دست‌آمده و تحلیل محتوای انجام‌شده، گونه‌شناسی کنشگری بانوان طلبه در شبکه اجتماعی اینستاگرام استخراج شده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که کنشگری این گروه، در دو گونه اصلی قابل طبقه‌بندی است: کنشگری سبک زندگی و کنشگری مبتنی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی. گونه «سبک زندگی»، ناظر بر الگوهای رفتاری، زیبایی‌شناسی زیست روزمره و شیوه‌های بازنمایی فردی است و در پنج زیرگونه بازتاب یافته است: (۱) اصالت معنای زندگی، (۲) اصالت تصویر زندگی، (۳) زندگی عاشقانه، (۴) واقعیت کاریکاتوری، و (۵) سبک مینیمالیستی مدرن. گونه «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» بر نقش‌آفرینی اجتماعی و فرهنگی بانوان طلبه تأکید دارد و در سه زیرگونه تفکیک می‌شود: (۱) امدادگر اجتماعی زنانه، (۲) مرجعیت زنانه دین، و (۳) دختر

تمدن ساز. در هریک از این زیرگونه‌ها، محوریت با مسئولیت‌پذیری فعالانه و بازنمایی نقش اجتماعی زن در جامعه دینی است.

۳-۱. سبک زندگی

در شبکه اجتماعی اینستاگرام، بازنمایی‌های صورت گرفته از سوی بانوان طلبه، شکلی از کنش را نشان می‌دهد که بر نمایش «خود» یا «دیگری» در زندگی روزمره متمرکز است و از خلال آن، به انتقال مفاهیم موردنظر می‌پردازد. این نوع بازنمایی، نوعی کنشگری مبتنی بر «سبک زندگی» را رقم می‌زند که خود به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شود؛ دسته‌هایی که در ادامه، مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

الف. اصالت معنای زندگی

تمایز کنشگر در بازنمایی زندگی روزمره، توجه به اصالت خانه و خانواده در معنابخشی به زندگی است. او می‌کوشد تا به خانه و ساکن بودن، معنای تسکین و امنیت دهد و مادری را در ارتباط با فرزندان در زندگی روزمره و خانه را محلی امن تعریف نماید. نگاه به اصالت خانه به معنای محل آرامش، با توجه به ادبیات جدید زنانگی که آن را به‌عنوان گوشه‌نشینی می‌داند، معنا را از سراسیمگی جامعه مدرن به پناه‌بودگی خانه و خوشی‌های کوچک تسری می‌دهد. «ما نشستیم خانه و تازه فهمیدیم که زندگی اینجاست؛ همین‌جا کنار کتری و استکان‌های چای، کنار بساط فیلم و تخمه سنقری. ما زندگی را روی صفحه ماروپله بچه‌هایمان پیدا کردیم [...]». نحسی اگر باشد، آن بیرون است. باید از آنجا گریخت. از سطر سیمانی بزرگراه‌ها، جاده‌ها، از زباله‌هایی که طبیعت را می‌بلعند، از ... خانه مأمّن است رفقا.»

خلاف رویکرد شکل‌گرفته در ادبیات امروز، او به این نکته اشاره می‌کند که کارهای خانه تفریحاتی هستند که ضمن لذت‌بخشی، می‌تواند عامل ایجاد فرصتی برای کسب درآمد اقتصادی از این اوقات فراغت شود. به عبارت دیگر، خانه همچون کارخانه‌ای است که خلاف رویه سخت و خشن صنعتی، در آن می‌توان از علایق خود به ثروت رسید. «خانه برایم ارزشمند است و می‌توانم مدت طولانی در خانه بمانم و از تفریحات خانه مانند پخت‌وپز نان و محصولات ارگانیک کنار افراد خانواده لذت ببرم.» سیر زندگی برای آن‌ها، براساس عامل بیرونی نیست؛ بلکه برای آن‌ها شدن، به‌جای ماندن از همه‌چیز مهم‌تر است. آن‌ها ماهیت زندگی و چالش‌های مرتبط با آن را عامل بزرگ شدن ظرفیت و سعه وجود می‌دانند و به‌جای تصلب در فکر و عمل، به‌دنبال

تحول در شخصیت و رشد و تعالی اجتماعی و الهی هستند. به عبارت دیگر، زندگی برای آن‌ها «رسیدن» تعریف نمی‌شود که با عناوین شکست و امثال آن تعبیر گردد؛ بلکه فرایندی است که مهم‌تر از خود هدف است. کنشگر در این باره بیان می‌کند: «خوبه که هر اتفاقی می‌افتد، به جای گشتن دنبال مقصر، انگشت اتهام رو می‌گیری سمت خودت. خوبه که داری هر روز، توقعات رو از اطرافیان کم و کمتر می‌کنی. خوبه که مدام سعی داری مزاحم و سربار کسی نباشی. خوبه که گریه می‌کنی، می‌ری تو لک، حتی پرخاش می‌کنی، اما باز فکر چطور بلند شدن، چطور ساختن، چطور دویدنی. خوبه که خط‌قرمزها مشخصه؛ خیلی وقت‌ها کوتاه نمی‌آی. خوبه که هر روز به خودت می‌گی تو همه چیز رو نمی‌دونی و درِ عقل رو نبستی. خوبه که حتی اگر منافعت در خطر باشه، بی‌انصاف نمی‌شی. ادامه بده. قول می‌دم روزبه‌روز بهتر بشی؛ همه چیز بهتر بشه. عین اون چیزی که می‌خواستی نشدی؟ عیب نداره؛ اسمش زندگیه، رمانت نیست که. همین الان خیلی قشنگه، نه؟ همین الانشم تو از گذشته‌هایی گذشتی که خیلی‌ها نتونستن.»

۱۳

آنچه می‌تواند خانواده را تحت تأثیر قرار دهد نگاه بیرونی است؛ نگاهی که از برجسب‌های اجتماعی در ساختن کلیشه‌های کلی، باعث فشارهای اجتماعی می‌شود. ذهنیتی که خانواده را با شغل و جایگاه اجتماعی روحانیون پیوند می‌زند و آن‌ها را در کاستی‌ها و انتظارات اجتماعی تحت فشار قرار می‌دهد. اشاره می‌شود: «توی هر صنفی آدم خوب و بد هست؛ اما اینجا توی صنف طلبه، تنها جایی است که همه اعضا را به کردار آدم‌بده می‌شناسند و با دست نشانش می‌دهند [...] خانواده طلبه فشار زیادی را تحمل می‌کنند. این را فقط از تجربه زیسته خودم نمی‌گوییم؛ ده سال است که در کنار طلبه‌های زیادی زندگی می‌کنم، محرومیت‌ها، سختی‌های زندگی و فشار اجتماعی که گاهی تا اندرونی خانواده خودشان هم حضور دارد [...] حواس همه به همه چیز هست، الا اینکه طلبه و خانواده‌اش هم انسان هستند.»

اساس این موضوع رویکرد مسئولیت‌پذیری همراه با نگرانی برای جامعه است که نشان می‌دهد این گروه علاوه بر هم‌سطح خواندن خود با مسائل و مشکلات اجتماعی، تلاش می‌کند زندگی بدنه اصلی طلاب را از نگاه ساختاری و منفی در اذهان عمومی جدا کند و از این طریق، آن شکاف اجتماعی را کاهش می‌دهد. همدلی مذکور از باب همدردی است که باعث پیوند روحانیت با سطح عموم جامعه می‌شود. می‌نویسد: «مستأجر و صاحب‌خانه، پشت‌سر هم، یک رساله حرف برای گفتن دارند، اما رودررو که می‌شوند هیچ، تا مجبور به دعوا نشوند، صحبتی نمی‌کنند. این کتاب

را نوشتیم تا درهای خانه مستأجران را به روی صاحبخانه‌ها باز کنیم، به اندرونی دل هم مهمانشان کنیم و زبانی باشم برای مستأجرهایی که ماه به ماه عصاره کارشان را به حساب صاحبخانه می‌ریزند. می‌خواستیم زبان قشری باشم که فصل تابستان دوران بی‌قراری آن‌هاست. شاید دنیا چرخید و قوانین اجاره‌نشینی در سال‌های پیش‌رو عوض شد. شاید در آینده‌ای نه‌چندان دور، وضع آن چنان تغییر کرد که دیگر هیچ‌کس از نداشتن خانه رنج نکشد. شاید در آینده، خانه معنی واقعی مسکن و مأمن را به خود بگیرد.»

ب. اصالت تصویر زندگی

در زاویه دید زنان روحانی، آنچه مشاهده می‌شود توجه به معماری‌ها، فضاهای سنتی و نوستالژی است. خانه‌های سنتی و فضاهای داخل آن، رنگ گرم و طرح‌های گل‌دار در فضای طبیعت برای نشان دادن لطافت، زیبایی و ارتباط با محیط‌زیست، توجه به زندگی روزمره و خرده‌فعالیت‌های جذاب همچون غذاها، موقعیت‌ها و بازنمایی احساسات در ارتباط با محیط پیرامونی در تصویرسازی آن‌ها بسیار مؤثر است. چینش وسایل و صحنه‌های خاص، با توجه به رنگ و نور و موقعیت‌ها، نشان از توجه آن‌ها به امر هنر در تصویرسازی دارد. نوستالژی‌هایی همچون خانه‌های مادر بزرگ و دوره‌های قدیمی و سایر موارد، اصالت تاریخی و محیطی آن‌ها را می‌رساند.

استفاده از ادبیات هندی و ادبیات جدید همچون ادبیات سووشون و نویسندگان رمان‌های ایرانی، نشان دهنده این موضوع است که زنان طلبه به دنبال توجه به افکار و محتواهای متنوع هستند. سفرنامه‌نویسی، طنزنویسی، ادبیات عرفانی، ادبیات کودک و نوجوان، ساخت کاراکترهای خیالی در بازنمایی و امثالهم، نشان از رویکرد آن‌ها به فرم‌های تولید محتوا در تصویرسازی دارد. از سوی دیگر، غالباً توجه به حریم خصوصی، با دوربینی نشدن خود و خانواده، در مدیریت بازنمایی از چهره تا وسایل خانه، ایجاد جذابیت با حضور بدون ظهور، شفافیت عواطف و عدم تابوشکنی بدون قاعده و نگاه اصلاحی به برخی از تابوهای اشتباه، علاوه بر اتکای به ارزش‌های اجتماعی، این ویژگی را مطمح نظر دارد که اصلاحات مدنظرشان عامل به هم‌ریختگی اجتماعی نباشد. تقابل با کلیشه‌ها بدون درگیری با عرف‌ها، به شکل آرام و غیرمستقیم، نشان از نوعی کنش معقول و مصلحانه دارد.

پ. زندگی عاشقانه

رویکرد حامیانه مردانه در زندگی خانوادگی برای همسران و بازنمایی آن، نشان‌دهنده مرکزیت یافتن توجهات به زن در تعاملات است. در این نوع خانواده‌ها، توجه به کانونی بودن نقش و مقام زن، پا را از هنجارهای عرفی فراتر گذاشته و آن را چنان بالا می‌برد که جایگاهی فراتر از فرزند پیدا می‌کند. قوامیت خانوادگی و بازنمایی عمومی آن، مودت و محبتی را نشان می‌دهد که در ادبیات قرآنی تسکین‌بخش است. می‌گوید: «اگر قرار بر نام بردن زحمات باشد، باید ده‌ها صفحه بنویسم از محبت‌هایت، در تمام روزهایی که من ضعیف‌ترین بودم از نظر جسمی و روحی، تو به جای اینکه به فکر بچه یا کارهای خودت باشی، اما به فکر من بودی.» برنامه‌ریزی برای وقت‌گذرانی همسران با یکدیگر در تعاملات ساده روزمره، نشان از این دارد که علاوه بر آنکه از ظرفیت شبکه اجتماعی برای حافظه‌سازی و تاریخ‌سازی استفاده می‌کند، این نکته را می‌رساند که افعال روزمره هرچند ساده هستند، ولی آهنگ آن‌ها می‌تواند نشان‌دهنده آرامش و روابط عاشقانه باشد. «قرار بود بعد از نوبتمان برویم توت‌خشک و فندق بخریم. می‌خواستیم وقتی برگشتیم زینب را بسپارم به تو، یادداشت‌ها را بنویسم و داستان نیمه‌کاره‌ام را تمام کنم. می‌خواستیم شام مرغ‌سوخاری درست کنم. امشب زودتر غذا بخوریم. زینب که خوابید، «نفس نکش دو» را تماشا کنیم. می‌خواستیم... . نشد. این‌ها را می‌نویسم تا یادگار بماند. تا باور کنم ریتم آرام و تکراری زندگی، یعنی ما خیلی خوشبختیم و خودمان خبر نداریم. این‌ها را می‌نویسم... بگویم جانتان در برود برای همین لحظه‌ای که در ظاهر هیچ چیز جذابی ندارد!» در ادبیات گفته‌شده، بیان می‌شود که اهمیت همسر بالاتر از سایر اطرافیان است و می‌تواند جایگزین نقش آن‌ها باشد. «مادربزرگم می‌گفت همیشه شوهر آدم یعنی همه‌کس آدم، و الان مردی کنارم است که برایم هم پدر است و هم همسر و هم رفیق و همدل است.» تأثیر همسر بر زندگی شریک خود می‌تواند چنان باشد که نقطه شروع زندگی لحاظ شود. می‌نویسد: «من زندگی قبل از حضور همسر را به یاد ندارم.» روابط در موفقیت نقش‌های مادری و پدری دوسویه است و رسیدن به اهداف هر کدام بازتاب‌دهنده نقش دیگری خواهد بود. می‌نویسد: «وقتی حرف از مادری به میان می‌آید، می‌گویند یک مادر کافی لازم نیست همه وجودش را وقف فرزندش کند. من این گزاره را قبول دارم، اما محقق شدن آن نیازمند توجه به اهمیت نقش پدر است. در کنار یک مادر کافی بودن، حتماً یک پدر کافی ایستاده است.»

ت. حقیقت الهی و واقعیت کاریکاتوری

کنشگر در این نوع کنشگری، تلاش دارد با توجه به حقیقت شکرگزاری در زندگی مؤمنانه، از لابه‌لای واقعیت‌های زندگی، روایت‌هایی رمان‌گونه بسازد تا مخاطب را با یک شروع رئال، به یک داستان فانتزی و عبرت‌آموز برساند. معنای زندگی برای این کنشگر همراه با بندگی است که وقایع را به سرفصل‌های درس‌ها تشبیه می‌کند؛ که در یک آزمایشگاه، به دنبال کشف حقیقت واقعیت‌ها است. او تلخی سختی ظاهری را از مخاطب خود می‌گیرد و با روایت طنزگونه، تلاش دارد مخاطب را از سطح به عمق و بنیان الهی رویدادها برساند. «در رنج‌های زندگی حکمتی وجود دارد که تحمل آن‌ها را آسان می‌سازد. خدایا، هر چه داده‌ای شکر و هر چه نداده‌ای شکر. این همان ان مع العسر یسرا است.»

در این فانتزی، کنشگر تلاش می‌کند با تمرکز بر حقیقت شادی در باطن انسانی به جای دارایی، نداشتن رفاه را از علل خوشبختی خارج کند. «در کنار همه این‌ها، خیلی اوقات بی‌پول بودیم و در اولیات زندگی می‌ماندیم و چالش داشتیم و اختلاف تفکر؛ اما راضی و شاد بودیم و دلمان از شبیه بقیه نبودن‌ها نمی‌گرفت.» قهرمان رمان‌های نگاشته‌شده کسی است که از واژه جنگیدن می‌گذرد و با تقابل و زخمی شدن در این راه، هم خود را پیدا می‌کند و هم دیگران را به خویشتن امیدوار می‌سازد. «تو می‌تونی خودت رو بذاری یه گوشه که هیچ‌وقت آسیب نبینی، بترسی از اینکه بشکنی یا تو چالش قرار بگیری، یا می‌تونی بیای وسط میدون و تجربه کنی، بجنگی و زخمی بشی، آسیب ببینی، اما باعث حال خوب خودت و بقیه باشی.»

مواجهه با مشکلات برای این نوع کنشگر بسیار مهم است. از این‌رو، «کلمه» برای این نوع کنشگری از برجستگی خاصی برخوردار است که در ارتباط واقعی، می‌تواند شفافبخش مسائل مردم باشد. اینستاگرام برای او محلی برای نوشتن است و از تصاویر غیرواقعی و دانستن‌های کم که باعث بی‌تفاوتی به مسائل و مشکلات می‌شود پرهیز می‌کند. از این‌رو، او نوشته‌های طولانی را همراه با عکس‌هایی قرار می‌دهد که بتواند هم ذهنیت مخاطب را همراه کند و هم تجسم‌بخشی را آسان نماید. «فکر می‌کنم بعضی‌ها از تنهایی به اینستاگرام پناه می‌برن. از نظر بعضی دیگه، دیدن تصاویر مختلف می‌تونه ذهنشون رو کمی از مشکلاتشون منحرف کنه و یا به بی‌حوصلگیشون رنگ بده. بعضی هم فکر می‌کنن دیدن اطلاعات کم تو موضوعات مختلف، اونا رو آدم بهتری می‌کنه... من به این احساس تنهایی، به این شلوغی ذهن و یا بی‌حوصلگی، و به این حس که این‌طور آدم بهتری

هستن احترام می‌ذارم و خب اینستاگرام هم فقط یه مثال هست. اما دنیای کلمات و ارتباطات واقعی می‌تونه شفافبخش باشه، نه دنیای مبتنی بر تصاویر غیرواقعی. بشر با اختراعات خودش، سریع تر و با ظاهری بهتر زندگی می‌کنه و در مقابل، با بعضی از همین‌ها، اصالت و ذهن آزادش رو تو خطر قرار می‌ده. روزبه‌روز از تعداد آدم‌هایی که تو دنیای واقعی دنبال برقراری ارتباط مفید هستند و به مخلوقات عشق می‌ورزن و موجب تغییر محیط اطرافشون می‌شن کمتر می‌شه. کمتر شدن این آدم‌ها، باعث می‌شه تنها تنهاتر بشن.»

ث. سبک مینیمالیستی مدرن

در نهایت، در سبک تصویر و تصور، تزیین زندگی بدون تجمل‌گرایی و استفاده از طبیعت برای زیبایی بصری در پشت‌صحنه به چشم می‌خورد. در جلوی صحنه، این کنشگران به نمایش اشکال مختلف حجاب و زیبایی‌های کوچک در زندگی می‌پردازند و از تضادها برای ایجاد زیبایی و تأکید بر عناصر مختلف زندگی بهره می‌برند. برای این طیف از کنشگران خانم مذهبی و طلبه‌بانوها، زیبایی ظاهری زنانه یک امر پسندیده و شایسته است، اما نه در تحول ظاهری مصنوعی، بلکه در ایجاد زیبایی طبیعی. مواردی که این نوع کنشگران در تعریف زیبایی خود بیان می‌کنند، رعایت محدودیت‌های استاندارد و نیز توجه و رسیدگی به مواردی است که گرچه در سطح زیباسازی مرسوم به چشم نمی‌آیند، اما می‌تواند جلوه‌های آن را برای روابط اجتماعی حفظ کند. آن‌ها به فکر کفش برند نیستند، اما تلاش می‌کنند همان را که در حد بضاعتشان هست با مناعت طبع طوری نگه‌داری و حتی طراحی کنند که زیبایی را تصویر نماید. از سوی دیگر، سادگی مرتبط به این نوع زیبایی‌شناسی نیز جذابیت خود را ایجاد می‌کند و در تقابل با نوع پریشان و هزینه‌بر وسایل آرایشی‌گران‌قیمت موجود در جامعه است. این نوع زیبایی بیشتر براساس ریزرسیدگی‌هایی است که هم می‌تواند زنان طلبه را به‌روز نگه دارد، هم آن‌ها را از چهارچوب اعتقادات خارج نکند و باعث توجه‌گرایی نشود.

۳-۲. مسئولیت‌پذیری

بانوان طلبه با قرارگیری در فضای مجازی، نوعی مسئولیت احساس کرده و در قبال آن، سعی دارند به تبیین مفاهیم و رویکردهایی بپردازند که این رویکردها می‌تواند از منظر عرف رویکرد مطلوب باشد و یا عرف شناخته‌شده نباشد. در این نوع از کنشگری، مسئولیت‌پذیری بانوی طلبه مشهود است که به تصحیح عرف جامعه می‌پردازد. این نوع کنشگری شامل ۳ دسته است که در ادامه، توضیح داده می‌شود.

الف. امدادگر اجتماعی زنانه

آنچه امدادگر اجتماعی زنانه را از دیگر مددکاران متمایز می‌کند نگاه مثبت و امیدوارانه در اوج سختی‌ها و مشکلات است. در تابلوی سیاه بحران‌ها، آن‌ها تلاش می‌کنند با برجسته کردن زیبایی‌ها، نگاه‌ها را از زاویه تاریک به سوی روشنایی و امید حرکت دهند. در ادراک ناامنی و تنهایی، به سمت نقطه‌های روشن آینده تمرکز می‌کنند و در کنشگری، ذهن‌ها را از صحنه‌ها و تصاویر بغرنج، به داستان‌ها و روایت‌های با پایان باز و یا خوش حرکت می‌دهند. روایتگری اساس کنش این نوع امدادگری است تا بتواند با درگیر کردن مخاطب با رویداد، به زندگی مرکزیت دهد و حس خوب و فداکاری را به مخاطب منتقل کند. «این دنیا باوجود سختی‌ها و بوهای گندش، تصاویر مزخرفش، مزه‌های تلخش، و چرکی‌های سیاه و غم‌های جان‌فرسایش، هنوز جایی برای خوشی و زندگی کردن است. بشر باوجود همهٔ مرارت‌ها، هنوز هم دوست دارد زنده بماند.» مواجهه با مرگ در این ادبیات، طوری بیان می‌شود که مخاطب با تمام زوایای آن درگیر می‌شود. هنگامی که بیمار به زندگی باز می‌گردد و او تنهایی بیمار را پر می‌کند؛ مخاطب نیاز به این نوع امدادگر را در آن موقعیت بیشتر احساس می‌کند. پویایی روایی این کنشگر حرکت مداوم بین زندگی - مرگ، اسارت - آزادی است که بدون هرکدام دیگری معنا پیدا نمی‌کند. می‌نویسد: «نگاهش را با چشم‌های درشت فرونشسته، از خانوم جعفری گرفت و دوخت به صورت من. جمله از پشت گلویم بغض را بالا می‌آورد، حوالهٔ گور پدر کرونا، ماسکم را با دو انگشتم پایین کشیدم. چشمم گرم شد و زبانهم چرخید. گفتم مبلغ بدهی تون رو خیرین پرداخت کردند. شما آزاد شدید... . مخاطب خسته‌ام سرش را کج کرد. لب‌هایش لرزیدند. ابروهای نامرتبش چین خوردند. اشک از گوشهٔ چشمش ریخت و چسبید به چروک روسری. دست‌هایش را از لبهٔ چادر رنگی زندان بیرون آورد. جای تیغ‌های ناموازی رو ساقش، دیگر عجیب نبودند، وقتی به اندازهٔ حجم یک مامان چهل سالهٔ خسته، بغلم را باز کردم؛ جای شوهری که سال‌ها دستش به تن رنجور زنش نخورده بود؛ جای پسر جوانش که او را ندیده، پایان خدمتش را گرفت؛ جای دختر دم‌بختش که بی‌مادر جهاز خریده بود؛ جای همه بغلش کردم. گرم و سفت نگهش داشتیم، آن قدر که بغضش شکست و مثل بچه‌ها گریه کرد. امروز جلوی چشمم، توی بغلم، یک مادر دوباره به زندگی برگشت... . اجر همهٔ کسانی که باعث تولد دوبارهٔ یک زن شدند، با سرور زنان اهل بهشت...» توجه به نقش زنانه در بحران و گذر از رویکرد انفعالی به آن‌ها نتیجهٔ این نوع کنشگری است که باعث ارتقای تأثیر

آن‌ها در جامعه می‌شود. «اگر یک سطر از تاریخ بنویسند وقت بحران، زنان جهادی در خط مقدم پشت ایران بودند، در این راه جان هم بدهم باکی نیست؛ چون بیهقی که در تاریخش نوشته مادر حسنگ وزیر، زنی بود سخت جگرآور. آن زن اگر امروز بود، یقیناً لباس من را تن می‌کرد. خانه بمانیم سال نوی همه مبارک‌تر خواهد شد.»

ب. مرجعیت زنانه دین

در گفتمان‌سازی دینی زنانه، مؤلفه‌های پشت‌صحنه شامل اجتهاد و استفتای زنانه، تلاش برای ارائه معنای درست از زن و نگرانی از هویت جعلی زنان است. در اینجا، دغدغه آن است که زنان در متن و زمینه اقتضائاتی دارند که گرچه در اولی می‌شود افتا کرد، اما در دومی، باید شناخت جنسیتی باشد تا بتوان از پویایی اجتهاد و فقه سخن گفت و دین را در مقابل زندگی زنانه قرار داد. می‌نویسد «اجتهاد، افتاء و قضاوت، سه مقوله جداست که ذیل موضوع مرجعیت راجع بهش بحث می‌شه کرد. خب طبق بررسی آیات و سیره، دلایلی بر عدم حجیت فتوای زنان برای زنان نیست. بسیاری از فقهای متأخر و معاصر هم جواز به تبعیت از زنان برای زنان رو صادر کردن، اما خب اصلاً مرجع خانم چه به درد می‌خوره؟ مسئله دیگه اینجا یک مقدار زیادی به رسانه بستگی داره و اینکه چجوری اهمیت یک موضوع رو تو سر ما جا بندازن. مثلاً اینکه توجه کنیم ما خانم‌ها چقدر به‌خاطر بعضی احکام اختصاصی در سختی هستیم. حضرت مقام معظم رهبری حفظه‌الله چند باری می‌شه که در دیدار با بانوان طلبه، به لزوم و اهمیت بحث اجتهاد زنان تأکید کردن.» ازسوی مقابل، کنشگر نگران تغییر معنای زن با اولویت زیبایی ظاهری، در مقابل رشد درونی و اجتماعی است و به‌دنبال ارائه هویتی واقعی از زن در لابه‌لای هویت‌های جعلی است. می‌نویسد «من از دنیای زن‌های این حوالی دورم. امروز که حدوداً به ده تا آرایشگاه زنگ زدم، نمی‌دونستم وقت‌هاشون انقدر پره. فکر می‌کردم مثل بچگی که مامان زنگ می‌زد به عصمت‌خانم و نیم ساعت بعدش اونجا بودیم، وقت گرفتن انقدر راحت. نمی‌دونستم سالن‌ها تخصصی شدن. وقتی پیج‌های آرایشگاه‌ها رو بالا پایین می‌کردم، نمی‌دونستم میکرو فلان و فیروز و میزونیدلینگ چیه... من ترسیدم از اینکه تعریف زن عوض شه؛ از دنیایی که امثال من رو زن خطاب نکنن. با همه این‌ها، خجالت نمی‌کشم وقتی آرایشگری پوزخند بهم بزنه که چقدر از مرحله پرتی، عوضش من تو دلم به چیزهایی که وقتم رو براش هزینه کردم لبخند می‌زنم.»

ج. دختر تمدن ساز

کلیشه‌هایی که در ادبیات خانوادگی وجود دارد و باعث می‌شود دختران مجرد جایگاه نازلی پیدا کنند موضوعی است که در ادبیات طلبه‌بانوها دیده می‌شود. آن‌ها نسبت به برچسب‌هایی که به دخترانی که امکان ازدواج نداشته‌اند و سنین آن‌ها بالا رفته زده می‌شود، می‌شورند، همچنین، نوع نگاه ادبیات جنسیت‌زده به حضور اجتماعی و اقتصادی زنان، را سوژه کنشگری خود قرار داده و آن را در تقابل با رویکردهای سنتی به رسمیت می‌شناسند. «زندگی مستقل و مجردی برای دختر یا پسر خوبه یا نه؟ منظورم از مستقل بودن استقلال فکری و بلوغ فکری نیست؛ یعنی ما مجرد باشیم و بریم یه خونه اجاره کنیم برای زندگی، بعد بیایم به پدر و مادرمون سر بزنینم. فرهنگ ما این سبک زندگی رو برای دختر یا پسر نمی‌پذیره، اگرچه من زندگی مجردی رو انتخاب نکردم و چاره‌ای جز پذیرفتنش نداشتم، اما تجربه‌ای بود که خوبی‌هایی داشت و بدی‌هایی. یه قشر سنتی داریم که همچین چیزی رو نمی‌پذیرن؛ جوونی که دور از خانواده زندگی می‌کنه رو نرمال نمی‌بینن. در مقابل، یه قشر دیگه داریم که دلایل فرزندان رو می‌شنون و بهشون اجازه هم می‌دن. حتی از نظر مالی هم کمکشون می‌کنند که مجرد زندگی کنن. دسته دوم تعدادشون کمه.» حضور اجتماعی و اقتصادی دختران مجرد امر پذیرفته‌شده است، تا ضمن رعایت استقلال آن‌ها، بتوانند به بازویی برای توسعه اقتصادی خانواده تبدیل شوند. جنسیت و مجرد برای آن‌ها اگرچه نامطلوب است، اما به‌عنوان فرصت‌هایی است که شغل و ازدواج را از تأثیر متغیر جنسیت خارج کنند و نقش تمدنی و بزرگ برای آن‌ها در نظر بگیرد. این نوع کنشگری، در کنار بیان استقلال مالی دختران، به حذف نگاه مردسالاران تأکید می‌کند و بیان می‌دارد «یک سال و پنج ماه پیش، به‌طور خیلی جدی، پیچ باسلام با عنوان «خوشه‌تاک» خلق شد. این بار پنجره‌ای شد رو به محصولات پدرم. خودمم که هر بار یک نام و نشانی مستعار و جذاب در مجاز آباد داشتم، این بار تبدیل شدم به دختر یک باغبان و برای ببو هم نوشتیم؛ از قدیم گفتن دختر عصای دست باباشه. حالا چه می‌دونم واقعاً از قدیم چنین چیزی گفتن یا نه؛ اما من تصمیم داشتم بشم عصای دست پدرم برای فروش محصولاتش.» در تأیید نقش فرهنگی و تمدنی دختران مجرد، به مصادیقی اشاره می‌شود تا عامل جنسیتی محل بر تأثیر اجتماعی نباشد. می‌نویسد: «خانم دکتر مؤیدی، مؤسس حوزه علمیّه شیراز که باوجود مجرد و زن بودن، خدمات بسیاری را برای اصلاح جامعه کرده است.»

نتیجه‌گیری

زنان با ایدئولوژی‌های مذهبی مختلف، نقش اینترنت و پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی را در ارائه فضاهای نمایشی و اعمال عاملیت خود برجسته می‌دانند. این موضوع در نحوه نمایش آن‌ها از خود در موضع اقتدار مشهود است. تمرکز بر این نوع نزاع نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌های جدید پذیرای کثرت روبه‌رشد صداها می‌شده‌اند (نیسا، ۲۰۲۲: ۲۳). اما آنچه درباره کنشگران مورد بحث ما در مقاله حاضر می‌شود بیان کرد آن است که در اینستاگرام، با یک نوع ضد روایت مصلحانه در بین زنان مسلمان مواجه هستیم؛ ضد روایت‌هایی که تلاش می‌کند روایت‌های عمومی و غالب و کلیشه‌ها را به چالش بکشاند و ضمن اصلاح امور، به تصورات اشتباه پایان دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، شرق‌شناسی متأثر از فمینیسم غربی که با تمرکز بر کلیشه‌های مردسالارانه، زن شرقی را تحت ستم می‌داند، در رویکرد کنشگرانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، نه به سمت برابری خواهی، بلکه به سوی تفاسیر مشارکتی حرکت می‌کنند. طلاب خانم در فضای مجازی، به دنبال راهی میانه برای عبور از خوانش‌های سنتی از دین و نیز نیفتادن در گفتمان برابری خواهی افراطی هستند. این زنان مایل‌اند نه براساس جنسیت و نه براساس کلیشه‌ها و افراط و تفریط‌های جنسیتی و مذهبی درک شوند. آن‌ها چیزی را اشغال می‌کنند که خان^۱ (۲۰۰۰) با اقتباس از بهابها^۲ (۱۹۹۴)، آن را «فضای سوم» مسلمانان، فضایی در میان اسلام‌گرایی و شرق‌شناسی، ارزش‌های سنتی و سکولار، محیط‌های مسلمان و غیرمسلمان می‌نامد (پیلا،^۳ ۲۰۱۲: ۳۳).

۱- خود معناگرا؛ اصالت زندگی

گینیون^۴ استدلال می‌کند از آنجایی که «خود» همیشه به‌طور جدایی‌ناپذیری با دنیای عمومی مرتبط است، اصیل بودن ایجاب می‌کند که ما خود را به‌عنوان موجوداتی اساساً اجتماعی ببینیم که در روابط و جوامع تعبیه شده‌اند. درک اصالت به‌عنوان یک ویژگی شخصی و اجتماعی، علاوه بر این، آن را به نوع خاصی از محیط اجتماعی، در ارتباط با ارزش‌های مربوط به خیر عمومی رایج در این محیط پیوند می‌دهد. به عبارت دیگر، تبدیل شدن به یک مرجع براساس اصالت، به معنای اجرای ارزش‌های مشترک خاص در یک محیط اجتماعی خاص است (هرلی، ۲۰۱۹). آنچه

1. Khan
2. Homi K Bhabha
3. Anna Piela
4. Guignon

مشخص است، کنشگران طلبه بانو، بیش از آنکه در متن مجازی خود را درگیر نمایند، تلاش دارند تا معانی و مضامین را دوباره یا به اصالت بازگردانند و یا آنکه برای گذار از دو رویکرد افراطی، آن‌ها را بازآفرینی کنند. این نگاه می‌تواند جنبه الهیاتی به خود بگیرد و تعاریف مفاهیم را از این جهت اصالت ببخشد و خیر عموم را بر آن مسلط نماید.

یکی از مهم‌ترین بازسازی‌های اصالتی برای زنان طلبه توجه به معنای خانه و خانواده در نوع اصیل خود است. تلاش می‌شود تا معنای خانه از نوع گوشه‌نشینی، به صیوریت و تعالی تغییر یابد. این نگاه متأثر از نگاه‌های اصالت‌گرای دینی است که در ادبیات اگزیستانسیالیستی و سایر موارد بدان توجه شده است. به‌طور مثال، هایدگر در سخنرانی معروف خود با عنوان «ساختن، سکونت کردن و تفکر»، به سمت اصالت «بودن» سیر می‌کند و آن را نه یک مکان فیزیکی، بلکه فضایی برای شدن یک موجود فانی معنا می‌کند (هایدگر، ۱۹۷۱). در ادبیات دینی، خانه جایی است که تسکین و آرامش ایجاد می‌کند، اگرچه اصالت دادن به خانه، در مقام مقدمه بودن برای مودت و محبت است (کبیری و دیگران، ۱۳۹۵). گیدنز وجوه به‌مثابه لنگرگاه را شامل امنیت خاطر، خلوت، استقلال، کنترل بر محیط، آزادی و پناهگاه می‌داند. آنچه عامل تداوم خود در خانه می‌شود، خاطراتی است که در آن شکل می‌گیرد و این خاطرات است که به آن مکان هویت می‌دهد. همان‌طور که لویکا می‌گوید، هویت مکان به‌خاطره جمعی مرتبط است که بر پایه تجربه در محیط و از طریق تبادلات و ارتباطات اجتماعی ساخته می‌شود. رضایت بین داشته‌ها و ایده‌آل‌هاست که می‌تواند ماندن را در مکان خانه لذت‌بخش کند (حجت و دیگران، ۱۳۹۵). آنچه به نظر می‌رسد آن است که در فضای سیال و بی‌مکان اینستاگرام، در مقابل نگاهی که خیابان و جامعه را برای زنان نشانه موفقیت در برابر رویکرد سنتی پشت‌پرده‌نشینی تعریف می‌کند، طلبه کنشگر به‌دنبال زنده کردن خانه در معنای مکان تسلی‌بخشی و آرامش است. علاوه‌بر آن، کنشگران اینستاگرامی تلاش می‌کنند با تصویرسازی از یک زندگی ساده، با کاهش سطح انتظارات محیطی خود، مخاطب را با آرامش درونی و نیز لذت بردن از ارتباط با دیگران و اشیاء سوق دهد. درگیر شدن با اشیاء، فرزندان و سایر از باب مصنوعات عینی، افکار را به سمت مصنوعات خیالی می‌برد که مارکس و توفسکی از آن، بعد از مصنوعات و مهارت‌ها، به‌عنوان دسته سوم از آن‌ها یاد می‌کند. اینستاگرام با فراتر رفتن از تجربه و عینیت‌گرایی، و بررسی سطوح مفهومی تأثیرگذاری، انتزاع، تصویر و رویکردهای فراقکنانه خود بازنمایی را فراهم می‌کند (هرلی، ۲۰۲۱). گرچه تصویرسازی

طلبه روحانی از وسایل ساده اما خاطره‌ساز، او را در مقابل اصالت اقتصاد توجه و مصرف‌گرایی رایج در پلتفرم‌های تبلیغاتی همچون اینستاگرام قرار می‌دهد، اما از سوی دیگر، مولد شدن زنان خانه‌دار در عرصه‌های اقتصادی، برای بازتاب صنایع و محصولات خانگی، فرصتی است که از آن استفاده می‌شود. نوع کنشگری بیان‌شده، در تقابل تعریف غربی از زن شرقی با کلیشه‌های زن مظلوم، خانه‌دار موردستیم، با در اختیار گرفتن ظرفیت‌های آموزشی و نفوذ در بازار کار ظهور پیدا می‌کند. در اینجا دیگر خانه فقط محل زندگی نیست، بلکه می‌تواند با بازار کار نیز پیوند داشته باشد و هویت زنانه را با پیکره‌بندی‌های متفاوت مواجه نماید (کدان، ۲۰۲۳).

۲- خود تأمل‌گر؛ روایت‌درمانی

قابلیت دیگری که شبکه‌های اجتماعی امکان بروز آن را می‌دهد، استفاده از روایت‌درمانی زنانه در قبال مشکلات است. قهرمان وبلاگ‌نویس نه تنها زندگی خود را از نظر زیبایی‌شناختی در محتوای بصری حساب تفسیر می‌کند، بلکه به‌عنوان یک «شخصیت کانونی» عمل می‌کند که مخاطب از دیدگاه ذهنی آن، دنیای روایت را کاوش می‌کند. باین حال، روایت اینستاگرام بسیاری از شخصیت‌های اصلی و فرعی دیگر را نیز به نمایش می‌گذارد. شخصیت‌های روایت اینستاگرام معمولاً شامل شخصیت اصلی و همسر، فرزندان، دوستان، دستیاران تجاری یا حتی حیوانات خانگی او هستند. برای حفظ یک تصویر واقعی، اینستاگرامر گهگاه جنبه‌های منفی زندگی روزمره خود را مطرح می‌کند که سپس به نقاط داستانی تبدیل می‌شود. این‌ها شامل بیماری‌های فرزندان، اختلاف نظر با شوهرش یا خلق و خوی بد در صبح است. همه این‌ها را می‌توان در استوری‌ها برای تقویت ارتباطات عاطفی با مخاطب بیان کرد. چنین لحظات متضادی «ناقص» به «تأثیر واقعیت» داستان می‌افزاید، درحالی‌که هم‌زمان تنش دراماتیک را افزایش می‌دهد و مخاطب را به سمت خود می‌کشاند. اینستاگرامرها الگوهای زن مشابهی را براساس آرمان‌های زن مستقل و خودکفا به تصویر می‌کشند و با موفقیت، پتانسیل خود را در تمام جنبه‌های زندگی درک می‌کنند (کوژارینوا و مانویچ، ۲۰۲۴). روشی که مردم هر داستانی را به‌عنوان بخشی از زندگی خود درک می‌کنند و سپس آن رویداد را برای نسل‌های آینده روایت می‌کنند، همیشه روشی برای ارزیابی مجدد و پردازش ناملایمات زندگی جهت ایجاد انعطاف‌پذیری به‌جای پریشانی است. داستان‌سرایی سنتی، سفر قهرمان را چرخه‌ای دشوار از تحول می‌داند که به آن‌ها کمک می‌کند تا بر مشکلات غلبه کنند و زندگی خود را به روشی بهتر ادامه دهند. تلاش روح انسان برای دستیابی به این

تکامل، به خودی خود داستان جدیدی نیست. با این حال، ما اکنون ابزارهایی برای بازآفرینی چنین داستان‌هایی به روشی قانع‌کننده و تأثیرگذار داریم. زنده کردن مجدد چالش‌ها به روشی متفاوت، درحالی که سعی می‌کند احساسات مرتبط با آن‌ها را به سطح بالاتری ارتقا دهد، ممکن است به فرد کمک کند تا تزکیه و تخلیه را تجربه کند و آن‌ها را غنا ببخشد، نه اینکه چیزی ضرورتی را در زندگی او بگیرد. بازگشت به رویداد و تمرکز بر دیدگاه به دست آمده ممکن است به فرد کمک کند تا از یک ذهنیت ثابت منفی فرار کند، گذشته را دوباره زمینه‌سازی کند و بر نگرش قربانی غلبه نماید تا فرصت و الهام‌بخشی برای حرکت ایجاد کند (ایواجورجیوا، ۲۰۲۰). زنان روحانی، علاوه بر رویکرد توجه به حقیقت مشکلات و قهرمان‌سازی زنان، به سوی روایت‌های الهیاتی از مشکلات سوق پیدا می‌کنند تا بدون توجه به دیگری شدن در ایده‌آل‌سازی اینستاگرام و با در نظر گرفتن تجربه زیسته و داستان‌های زندگی روزمره، آن را بازنمایی کنند. پذیرش و مواجهه با سختی‌ها، توانمندسازی، تمرکز بر آرامش درونی و صبر بر مشکلات، تقابل با کلیشه‌های برساخته شده، توجه به روابط خانوادگی و شخصی و پررنگ کردن اثرگذاری اجتماعی، سوزهای روایت‌درمانی بانوان طلبه به حساب می‌آیند.

۳- خود سیال؛ نرم‌افزار بحران

در بحران‌های انسانی، زنان نقش حیاتی در حفظ بافت اجتماعی جوامع از طریق مشارکت در آموزش، بهداشت، مراقبت و حمایت‌های روانی ایفا می‌کنند. فراتر از بقای فوری، زنان به بهبود بلندمدت کمک می‌کنند و تاب‌آوری و هم‌بستگی اجتماعی را در میان نسل‌ها و گروه‌های اجتماعی ترویج می‌دهند (استفانوا، ۲۰۲۵). روایت‌های اینستاگرامی امدادگران در موقعیت‌های متفاوت آسیب‌های اجتماعی، نقش زنان را پررنگ می‌کند. داستان‌هایی که در روایت زنان بیان می‌شود بسیار جزئی است و نوعی کنش همدلانه از تجربه را ایجاد می‌کند. داستان‌ها قدرت دگرگون‌کننده‌ای دارند که به ما امکان می‌دهند جهان را به شیوه‌ای متفاوت از آنچه که فقط به تنهایی با آن روبه‌رو می‌شویم، ببینیم. داستان‌ها نقطه ورود به درک یک تجربه متفاوت از جهان هستند. از داستان‌سرایی به عنوان راهی برای تشویق مردم به کاوش عمیق‌تر در شواهد درمورد اینکه چه چیزی برای بهبود سلامت مؤثر است و چه چیزی مؤثر نیست، استفاده می‌کنیم.^۱ قدرت انطباق با شرایط سخت، توکل و تقویت رابطه با خدا، مأنوس شدن با مرگ و افزایش کیفیت زندگی،

تمرکز بر ویژگی مراقبت، برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی، تبدیل تهدیدات و چالش‌های عاطفی در بحران به فرصت‌های رشد و بازیابی، گفت‌وگو و کار تیمی در همدلی با هم‌نوعان، توانمندسازی و قدرت بالای یادگیری در بحران، از ویژگی‌هایی است که در ادبیات زنان طلبه، هم‌اکنون از لحاظ جنسیتی و هم از منظر جهان‌بینی قابل مشاهده است.

۴- خود مرجع؛ گسترش اقتدار زنانه

امروز زنان براساس بررسی شرکت‌های معتبر تحقیقاتی همچون پیو، بیش از مردان در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان بیشترین کاربران غالب رسانه‌های اجتماعی هستند. این به ویژگی‌های رسانه اجتماعی مربوط می‌شود، یعنی مشارکت، شفافیت، گفت‌وگو، جامعه و پیوستگی که فرصت‌هایی را برای زنان فراهم می‌آورد تا بتوانند آرزوها، احساسات و ایده‌های خود را به دوستان، همکاران و اقوام خود منتقل کنند. از سوی دیگر، زنان به‌عنوان اشیای جذاب برای صاحبان سرمایه در نظر گرفته می‌شوند. قبل از توسعه سریع رسانه‌های اجتماعی که امروز شاهد آن هستیم، زنان در تماس با رسانه‌های اصلی (رسانه‌های جمعی) مانند تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها و مجلات و دیگران، به مخاطبانی تبدیل شده بودند که بودریار از آن‌ها به‌عنوان اکثریت خاموش یاد می‌کرد. این در حالی است که حضور بانوان علما که به‌طور فعال از طریق پلتفرم‌های آنلاین ارتباط برقرار می‌کنند، فرصت‌هایی فراهم می‌کند تا بدون اینکه نگران دیده شدن در کانون توجه عمومی باشند، اطلاعات متفاوتی درباره آموزه‌های اسلامی را به‌طور متناسب و شخصی انتخاب کنند. با وجود این، مسائلی که مورد بحث قرار می‌گیرند، مشکلات خصوصی هستند که بسیاری از زنان در زندگی روزمره خود با آن روبه‌رو هستند. برای آن‌ها راحت‌تر است که از طریق گفت‌وگو با هم‌جنسان خود، به یکدیگر کمک کنند. وقتی آن‌ها در فضای مجازی برای جست‌وجو هستند، فعالیت‌های زنان روحانی در عرصه عمومی تشدید می‌شود و موقعیت و هویت آن‌ها، به‌عنوان رهبران مذهبی، در برابر پیروانشان تقویت می‌شود. علاوه بر این، به تحلیل شرایط اجتماعی که به سمت تغییر می‌رود، حساسیت پیدا می‌کنند (عدنان و یونی، ۲۰۲۱). نیلسن بیان می‌کند زنان در حضور مجازی، برای در میان گذاشتن دغدغه‌هایشان ورود پیدا می‌کنند؛ گرچه نسبت به مردان کمتر از لحاظ متون مستدل و مرجعیت دینی مورد استقبال قرار می‌گیرند، اما برای رسیدن به جایگاه خود در جامعه، بیشتر از سوی مردان مورد حمایت قرار می‌گیرند و به تنوع مخاطب بیشتری دسترسی دارند که مردان نمی‌توانند به آن‌ها دسترسی داشته باشند (نیلسن، ۲۰۲۰). ایجاد اقتدار

ارتباطی آن‌ها در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، علاوه بر سیاسی و اجتماعی، و مورد توجه و ارجاع قرار گرفتن از لحاظ دینی و سبک زندگی براساس شرایط و اقتضات زنانه، آن‌ها را به سمت آن می‌برد که به مرجعیت دینی و تأثیر جنسیت خود در فهم مسائل جدید توجه ویژه‌ای پیدا کنند. در شرایط حاضر، ممکن است زنان به‌طور مستقیم در مباحث فقه شرکات نکنند و فقه هنوز در انحصار علمای مرد باشد که شرایط حقوق زنان در دین را تعیین می‌کنند، اما باید به خاطر داشته باشیم که فقه واکنشی است، به این معنا که به واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی واکنش نشان می‌دهد، مانند مشارکت گسترده زنان در انقلاب و از آن زمان به بعد در زندگی سیاسی. جامعه به جنسیت آگاه شده و در واقع کل فرایند سیاسی جنسیتی شده است (میرحسینی، ۱۹۹۹: ۲۷۳).

منابع

۱. تربتی، سروناز، ۱۳۸۴، عملکرد خود در واقعیت مجازی، پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۴۴، ص ۱۵۱-۱۳۸.
۲. حجت، سید حسین و کلانتری خلیل‌آباد، حسین، ۱۳۹۵، تحلیل شاخص‌های مؤثر بر شکل‌گیری هویت مکان در مجتمع‌های مسکونی (نمونه موردی: شهر جدید پرند)، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی ۲۱، شماره ۲، ص ۱۸-۵.
۳. حسنی، حسین و کلانتری، عبدالحسین، ۱۳۹۶، تحلیل پدیدارشناختی تجربه زیسته کاربران شبکه اجتماعی تصویری اینستاگرام در ایران، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات ۱۸، شماره ۴۰، ص ۳۳-۶۲.
۴. دریفوس، هیوبرت ال، ۱۳۸۳، درباره اینترنت، ترجمه علی فارسی‌نژاد، تهران، نشر ساقی.
۵. قاسمی، حامد، ۱۳۹۲، دکترین زندگی دوم سایبری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. کبیری سامانی، امیر، ملکوتی، آزاده و یادگاری، زهره، ۱۳۹۵، بازشناسی معنی خانه در قرآن، رهیافتی در جهت تبیین مبانی نظری خانه، باغ نظر ۱۳، شماره ۴۵، ص ۶۱-۷۶.
۷. مارش، دیوید و استوکر، جری، ۱۳۸۸، روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. نیومن، ویلیام لارنس، ۱۳۹۰، شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی. ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.
9. Assarroudi, Abdolghader, Fatemeh Heshmati Nabavi, Mohammad Reza Armat, Abbas Ebadi, and Mojtaba Vaismoradi, 2010, "Directed Qualitative Content Analysis: The Description and Elaboration of Its Underpinning Methods and Data Analysis Process." *Journal of Research in Nursing*. Accessed July 8, 2025. <https://nls.lids.org.uk/welcome.html?lsidyyva2f13073>.
10. Georgieva, Irina, and Georgi V. Georgiev, 2020, "Reconstructing Personal Stories in Virtual Reality as a Mechanism to Recover the Self." *International Journal of Environmental Research and Public Health* 17, no. 1: 26. <https://doi.org/10.3390/ijerph17010026>.
11. Heidegger, Martin, 1971, "Building, Dwelling, Thinking." In *Poetry, Language, Thought*, edited by Albert Hofstadter, 143-62. Harper & Row.
12. Hurley, Zahra, 2021, "Arab Women's Veiled Affordances on Instagram: A Feminist Semiotic Inquiry." *Feminist Media Studies*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1080/14680777.2021.1986848>.

13. Kedan, Sofie, 2023, "The Role of Women in the Reforms in Saudi Arabia." Master's thesis, Charles University. Charles University Digital Repository. <https://dspace.cuni.cz/handle/20.500.11956/182101>.
14. Kozharinova, Maria, and Lev Manovich, 2024, "Instagram as a Narrative Platform." *First Monday* 29, no. 3. <https://doi.org/10.5210/fm.v29i3.12497>.
15. Mir-Hosseini, Ziba, 1999, *Islam and Gender: The Religious Debate in Contemporary Iran*. Princeton University Press.
16. Nielsen, R. A, 2020, "The Rise and Impact of Muslim Women Preaching Online." In *The Oxford Handbook of Politics in Muslim Societies*, edited by Marwa Cammett and Paul Jones, 501-20. Oxford University Press.
17. Nisa, Eva F, 2022, *Face-veiled Women in Contemporary Indonesia*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003246442>.
18. Papacharissi, Zizi, 2010, *A Networked Self: Identity, Community and Culture on Social Network Sites*. New York: Routledge.
19. Piela, Anna, 2011, *Muslim Women Online: Faith and Identity in Virtual Space*. Routledge.
20. Robinson, Laura, 2007, "The Cyberself: The Self-ing Project Goes Online, Symbolic Interaction in the Digital Age." *New Media & Society* 9, no. 1: 93-110.
21. Sloan, Luke, and Anabel Quan-Haase, eds, 2017, *The SAGE Handbook of Social Media Research Methods*. Los Angeles: SAGE Publications.
22. Smith, Greg, 2006, *Erving Goffman*. London: Routledge.
23. Stefanova, Stanislava, 2025, "Beyond Victimhood: Women as Agents of Change in Humanitarian Crises." *International Journal of Innovative Science and Research Technology (IJISRT)*, IJISRT25MAR1392: 1872-76. DOI: 10.38124/ijisrt/25mar1392. <https://www.ijisrt.com/beyond-victimhood-women-as-agents-of-change-in-humanitarian-crises>.
24. Uyuni, Budi, Kiki Melly Arief, and Muhammad Adnan, 2023, "Contribution of Woman Ulama in The Digital Era." *International Journal of Emerging Issues in Islamic Studies* 3, no. 1: 1-11. <https://doi.org/10.31098/ijeis.v3i1.1239>.